

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

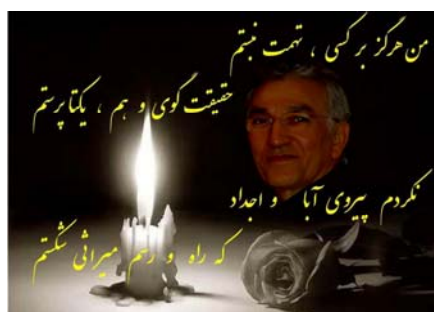
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده  
۰۹ جون ۲۰۱۸



## پیغمبر اشرار

چرا؟ دوران طالب، در وطن تکرار میگردد هزاران انتحاری، وارد از پنجاب و پاکستان به ملک ما، عرب، ایران و پاکستان و ترکیه "محمد بن سلمان" و "ترمپ" و نیز "پوتین" را چرا "حامد" کند عوغو، چرا "غینو" کند عرعر ز مکر گلبدین و عین و غین و کرزی و اتمر "نیازی" و "خبیث الله" و "سیرت"، "ارشد" و "سیمین" جنایت، وحشت و دهشت، خیانت، قتل و هم غارت سیاست بر تن طالب، نموده جامه داعش نگر بر اشک و آه و ناله و فریاد مادر ها و لاکن، ای مسلمان! نه، مسلمان زاده! انصافی نظر بر انتحاری کن، به حال زار مردم بین خدای طالب و داعش، نهایت قاسط و غاشم\*\* امامان و رسولانش، تبر، شمشیر و سرنیزه دلیل و حجت ایشان، فلق، با دُرّه و شلاق کتاب و مذهب و دینش، خشونت، ظلمت و نفرت

خر جهل عرب، بر اسپ افغان سوار میگردد ولی صادر مقابل، کودک و کوکنار میگردد چرا هریک خدای قتل و از کشتار میگردد چرا "کرزی" سک و "اشرف غنی" جمار میگردد\* "عطای نور" شاخ و "عبدالله" دُمدار میگردد به نام تاجک و پشتون، وطن صدپار میگردد به فرمان عرب هریک، خر و خرکار میگردد به نام دین و مذهب، من من و خروار میگردد که هر یک، انتحاری کرده و مردار میگردد دل کافر به رحم و دیده اش خونبار میگردد ز اعمال شما، مردم، ز حق بیزار میگردد ندانم کی خدا از خواب خود بیدار میگردد ز خون پاکِ مظلومان، روان انهار میگردد مخالف گر کسی باشد، فراز دار میگردد بخواهی یا نخواهی، عاقبت سنگسار میگردد ز اصل و فرع شان، گل در بهار ان خار میگردد

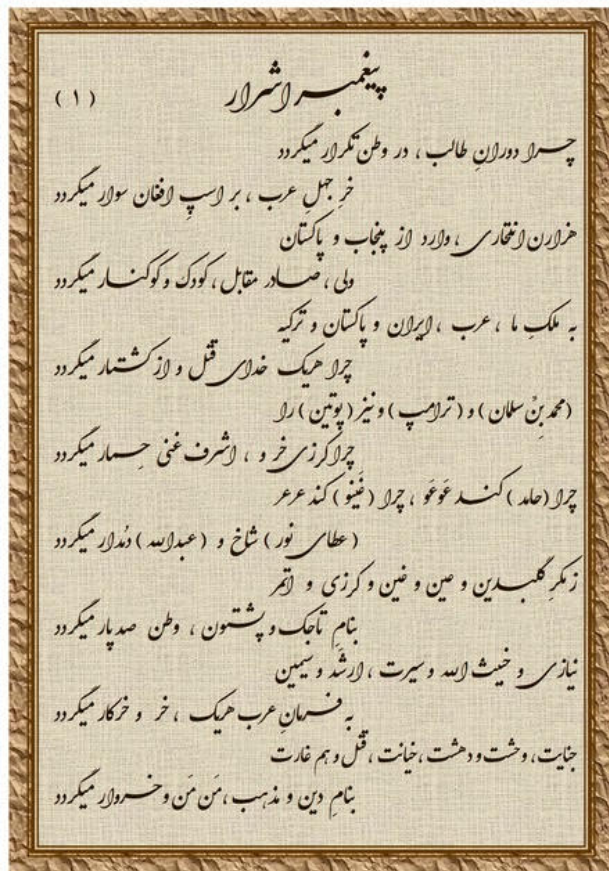
بهشتش، پُر ز غلمان ها و حوری های نابالغ  
 مواظب باش هم میهن، اجانب در کمینگا هها  
 پلانی شومی در پیش است، بر آینده افغان  
 حقایق را، اگر خواهی، حدیثی را شنو از من  
 تمام این جنایتهاز "گلبدین و سگهایش"  
 به روی گلرخان، تیزاب پاشیدند و می پاشند  
 ز مخزن های آب مکتب نسوان ما، از چه  
 مواظب باش، هم میهن! که گلبدین بدکاره  
 کنون با ساز ابلیسی، و با آهنگ انگلیسی  
 شنو "نعمت" سحرگهان، یتیمان و ز مظلومان  
 به ارضاء و به استمناء، خر و کفتار میگردد  
 که هر ناحق به نام حق، به ما حقدار میگردد  
 که "اتمر"، خالق و پیغمبرِ اشرار میگردد  
 که اصلاً، انتحاری، از کی ها اصدار میگردد  
 خدا عاجز ز آدم کرد این اشرار میگردد  
 کسی منکر مگر زین کار ناهنجار میگردد؟  
 به کام وخلق خوبان، آب، زهر مار میگردد  
 ز بهر قدرت و شهرت، به راکت سوار میگردد  
 به چین و روس و امریکا، فلان بردار میگردد  
 هزاران لعنت و نفرین، به حکمتیار میگردد

جون ۲۰۱۸

\*حمار = حیوان اهلی معروفی است و قسمی از آن وحشی است و آنرا حمار وحش خوانند، الاغ، دراز گوش

\*\*قاسط = ظالم، ستمکار

\*\*غاشم = ۱. ظالم، ستمگر، غاصب، بیدادگر



مواظب باش هم مین، اجانب در کینهها (۲)  
 که حسرت نامحسوس نام حق، به ماحت در میگرد  
 پلنی شوی در پیش است، بر آینه افغان  
 که (آفر)، خالق و پیتیبسب اشرا میگرد  
 حقایق را، لکر خوری، حدیثی را شنو از من  
 که اصدا اقتضاس، از کی تا اصدا میگرد  
 تمام این جملهها، ز کلبیدن و سکماش  
 خدا عاجز ز آدم کرد این اشرا میگرد  
 بر در کهرخان، تیزلاب پاشند و می باشند  
 ز محسنن نامر آیب کتب نولان ما، از چه  
 به کام و حلق نوبان، آیب، زهر مار میگرد  
 مواظب باش هم مین، که کلبیدن بکاه  
 ز بر قیامت و شهرت، به در لکت، سوار میگرد  
 کنون با سار ایلی، و با آهسنگ لایگی  
 به چین و روس و امریکا، فلان برادر میگرد  
 شو «نعت»! حرکات، تیمان و ز مظلومان  
 هسنزلان لغت و نفرین، به حکمتیار میگرد

سیاست بر تن طالب، نموده جامه دلش (۲)  
 که حرکت، اقتضاس کرده، و مردار میگرد  
 ککر بر اشک و آره و ناله و ضریب ماد، تا  
 دل کاغذ به رحم و، دیده اش خونبار میگرد  
 ولاکن، لاسر مسلمان! نه، مسلمان زاده! انصافی  
 ز اصصال شما، مردم، ز حق بیسنو میگرد  
 نظر بر اقتضاس کن، به حال زلار مردم بین  
 ندانم کی خدا از خواب خود بیدار میگرد  
 خدا را طالب و دلش، نهایت قاطع و غاشم  
 ز خون پاک مظلومان، رولان انصاف میگرد  
 ایمان و رسولش، تبر، شمشیر و سرتیروز  
 مخالف کر کسی باشد، فسوز در میگرد  
 دلیل و محبت ایشان، فلق، با دژ و شلاق  
 بخواب یا نخواب، عاقبت سنکار میگرد  
 کتاب و مذهب و دینش، ثنوت، نعلت و نفرت  
 ز اصل و فرع شان، گل در بهار لاند خاد میگرد  
 بشتش، پر ز فلان تا و، حور با سر نامانغ  
 به ارضاء و به لاستمناء، خسر و گفتار میگرد